

شهر فرنگ

آغاز اکران مستندی درباره کیارستمی از یکم تیر



● **گروه هنر:** فیلم مستند سینمایی «همراه با یاد» از یکم تیر در سینماهای هنر و تجربه به روی پرده خواهد رفت. «همراه با یاد» عنوان فیلم مستندی است به کارگردانی مهدی شادی‌زاده و تهیه‌کنندگی علیرضا شادی‌زاده که درباره عباس کیارستمی و وجوه مختلف هنر در زندگی او ساخته شده است. این مستند به‌تازگی آخرین مراحل فنی را پشت سر گذاشته و محصول سال ۱۳۹۷ است که از یکم تیر هم‌زمان با تولد عباس کیارستمی در سینماهای هنر و تجربه اکران خواهد شد. آیدین آغداشلو، جواد مجابی، لیلی گلستان، کیانوش عیاری و مریم زندی از جمله چهره‌هایی هستند که در این مستند حضور دارند. مهدی شادی‌زاده پیش‌تر تجربه تهیه‌کنندگی فیلم سینمایی «ژاوو» را در کارنامه خود دارد. او همچنین چندین فیلم کوتاه و مستند از جمله اتاق، برداشت اول، پله ی پنجم و... را کارگردانی و تهیه کرده است.

«میدان جوانان سابق» با تقدیر از قاضی‌زاده اکرانش را آغاز کرد

● **گروه هنر:** مراسم افتتاحیه مستند «میدان جوانان سابق» با کارگردانی «مینا اکبری» -روزنامه‌نگار باسابقه- شنبه با تقدیر از «علی‌اکبر قاضی‌زاده» -استاد روزنامه‌نگاری- و با حضور جمع زیادی از هنرمندان و روزنامه‌نگاران در موزه سینما انجام و به این ترتیب، اکران رسمی این مستند در تهران و هم‌زمان در شهرستان‌ها آغاز شد. تقدیر از «علی‌اکبر قاضی‌زاده» با حضور «سپروس علی‌نژاد» و کارگردان اثر برگزار شد تا ادای دینی برای حضور مؤثر این شخصیت در عرصه مطبوعات باشد. او در این مراسم در سخنانی کوتاه به این نکته اشاره کرد اگر جریان روزنامه‌نگاری دهه ۷۰ با همان قدرت در دهه‌های بعد ادامه پیدا می‌کرد- و روزنامه‌نگاران همچنان چشم و گوش مؤثر جامعه بودند، ایران هرگز با بسیاری از نابسامانی‌هایی که این روزها با آن مواجه است، روبه‌رو نمی‌شد و شاهد اخلاص‌هایی با این حجم نبودیم. او همچنین ادامه داد: «مرا ربع قرن پیش تلاش کردیم بنیانی جدید را در روزنامه‌نگاری بنا کنیم که مبتنی بر صداقت باشد و روایتی صادقانه به مردم ارائه دهد و شاید دلیل اقبال مردم به مطبوعات در آن زمان را باید در همین نکته جست‌وجو کرد». «سپروس علی‌نژاد» نیز «علی‌اکبر قاضی‌زاده» را روزنامه‌نویس خوبی دانست که در کنار فعالیت‌های شخصی‌اش، نسل پویایی را تربیت کرد. او اظهار امیدواری کرد شاگردان او راهی را که او در مطبوعات آغاز کرد، ادامه دهند. اما «مینا اکبری» در این مراسم به این نکته اشاره کرد «میدان جوانان سابق» روایت شخصی‌اش از جریان مطبوعات در آن دوران است. او همچنین اضافه کرد: «امیدوار است این مستند، بهانه‌ای باشد تا روزنامه‌نگاران دیگر نیز روایت‌های شخصی‌شان را از تاریخ مطبوعات بیان کنند تا گذشته ما فقط آن چیزی نباشد که از سوی رسانه‌های داخلی و خارجی بیان می‌شود. ما باید روایت‌هایمان را از صندوقچه‌ها بیرون بکشیم تا روزنامه‌نگاران نیز روایت خودشان را داشته باشند». افتتاحیه «میدان جوانان سابق» با حضور بهمن فرمان‌آرا، علی امامی، احمد مسجدجامعی، لیلی گلستان، علی شکوری‌راد، عمادالدین باقی، علیرضا تابش، شقایق فراهانی، مزده دقیقی، هانا کامکار و همچنین جمع کثیری از روزنامه‌نگاران برگزار شد.

گروه هنر: «ما همه با هم هستیم» تازه‌ترین ساخته کمال تبریزی چند روزی است به اکران رسیده، فیلمی که فرم حضور در جشنواره فیلم فجر را پر نکرد و قوانین اکران نوروز مبنی بر نمایش فیلم‌هایی که در جشنواره حضور داشته‌اند، آن را از فهرست گزینه‌های نوروزی سینماها خط زد. اکنون چند روزی است فیلمی با حواشی بسیار که عمده‌ترین آنها به موضوعات مالی پروژه برمی‌گردد، به اکران رسیده و یکی از موضوعات پربحث این روزهای سینمای ایران است. کمال تبریزی در گفت‌وگو با ایسنا به بسیاری از پرسش‌ها درباره جدیدترین ساخته‌اش پاسخ داده است، پرسش‌هایی که از زمان ساخت این فیلم تا امروز بی‌پاسخ مانده است. از جمله ماجراهای مالی فیلم که این روزها در تب‌وتاب حضور پول‌های مشکوک در سینما، نکته جالبی است. مروری کوتاه و بازخوانی گفت‌وگوی کمال تبریزی با خبرگزاری ایسنا، پرسش‌های جدیدی درباره چرایی ساخت این فیلم مطرح می‌کند.
تبریزی در بخشی از این گفت‌وگو در پاسخ به حضور پرتعداد بازیگران چهره در فیلمش که طبعاً هزینه‌های تولید را بالا برده است و زمان تولید نیز حواشی بسیاری بر سر دستمزد بالای عوامل و بازیگرانش خیرساز شده بود، از فراهم‌شدن موقعیتی خوب برای بازیگران صحبت کرده است، اینکه به‌واسطه این فیلم‌نامه، دیگر محل اختلافی برای نقش اول و دوم باقی نمی‌مانده و هریک به اندازه در صحنه حضور داشته‌اند. او در بخش دیگری از تمایل سرمایه‌گذار برای حضور این ترکیب بازیگران صحبت کرده است و اعلام کرده که ۵۰ درصد از هزینه فیلم برای بازیگران صرف شده است. نکته‌ای دیگر در ارتباط با حضور بسیاری از چهره‌های سینمای ایران در این فیلم، دشواری حضور آنها در کنار

هم در یک پروژه با توجه به مشغله‌های زیادشان بوده و قطعاً واکنش بسیاری از منتقدان فیلم «ما همه با هم هستیم» در وهله اول همین نگاه به حضور ستارگان در پروژه‌های سینمایی است، اینکه به شرط فراهم‌شدن موقعیت مالی خوب برای بازیگران و عوامل، مجاب‌کردن آنها برای فیلم‌برداری در زمان مشخص و در زمان‌هایی که برای آنها تعیین می‌شود به‌مراتب سهل‌تر از زمانی است که این امکانات فراهم نیست. واکنش تبریزی درباره حضور پول‌های مشکوک در سینما هم از دیگر نکات قابل توجه این گفت‌وگو است. «در کشور ما شرایطی وجود دارد که اگر کسی خیلی در معرض دیده‌شدن قرار بگیرد و کار عجیبی انجام دهد، همه توجهات به سمت او جلب می‌شود و در این میان عده‌ای دست‌به‌کار می‌شوند تا جلوی حرکات استثنائی را بگیرند. درباره سرمایه‌گذاری در



عکس: سپید تاک، شرف

سینمای ایران واقعیت این است که بخشی از آن به همین شکل است و خیلی از کسانی که اعتراض دارند که چرا بعضی سرمایه‌گذاران به سینما روی می‌آورند؟ و اینکه پول‌های آنها مشکوک است، سرمایه‌هایشان را از کجا می‌آورند و...، در این میان شاید یکی از دلایلی که این افراد اقدام به بیان چنین اعتراض‌هایی می‌کنند این است که خودشان امکان دسترسی به این سرمایه‌گذاران را پیدا نکرده‌اند! ولی همه شاهد هستند که برخی از معترضان به‌محض اینکه امکان همکاری با سرمایه‌گذار مشکوک را پیدا کرده‌اند، دچار سکوتی باورنکردنی شده‌اند. با توجه به موضوع سرمایه‌گذاری در آثار هنری و دادگاه‌ها و حکم‌هایی که صادر شده، شرایط خاصی به وجود آمده است. سینما هنری نیست که مانند نوشتن کتاب باشد و برای تولید فقط به چند برگ کاغذ و قلم محدود شود،

به‌بهانه هشتادمین سال تأسیس «هنرستان هنریشگی» و «تماشاخانه تهران» و بیادی از سیدعلی نصر و احمد دهقان

دو سیاست‌مدار هنرمند

لباس، تزئینات، آرایش، رخ‌سازی، رقص‌های سالن، باله، ادبیات، روان‌شناسی و فن بیان تدریس می‌شد و هشت نفر از دانشجویانش خانم بودند.

برنامه‌های درسی مدرسه که سعی می‌شد در حد برنامه‌های هنرستان‌های اروپا باشد، توسط دکتر مهدی نامدار تنظیم می‌شد. از نخستین استادان تئاتری که در این هنرستان درس می‌دادند می‌توان به نام‌هایی مانند: ایران دفتری، خانم سپاهی، سیدعلی نصر، دکتر مهدی نامدار، مطیع‌الدوله حجازی، محمود بهرامی، غایت‌الله شبیانی، فضل‌الله بایگان، سیدمهدی نصر، مرحوم نصر جواد معروفی، علی جلالی، دکتر رضاناده‌شفیق، دکتر مهدی فروغ، غلامحسین‌خان مفید، دریاپیکی، رفیع حاتئی، اسکامپی، خان‌ملک ساسانی، دکتر کنی، حکمت آل‌آقا، حسنعلی نصر، حسن ره‌آورد، حبیب‌الله یغمایی، اصغر گرمسیری، اسماعیل مهرتاش، خان‌بابا صدری، احمد ناظرزاده‌کرمانی، دکتر جنتی و... اشاره کرد و گروهی از فارغ‌التحصیلان هنرستان هنریشگی نیز عبارتند از: عصمت صفوی، فهیمه راستکار، عزت‌الله وثوق، غلامحسین نقشینه، مجید محسنی، تقی ظهوری، زرندی، عباس زاهدی، عزت‌الله زاهد، ایرج ساویر، رضا رخشانی، مصطفی اسکویی، زندی، نصرت‌الله کریمی، حمید قبری،

عبدالله بقایی، هوشنگ بهشتی، حسین کسبیان، عباس جوانمرد، داریوش اسدزاده، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز و ...

نصر پیش از همه اینها در سال ۱۳۰۴، گروهی کم‌دی ایران را تأسیس کرده بود و از همان‌جا اولین کام را برای ایجاد یک تئاتر ثابت حرفه‌ای برداشته بود. کم‌دی ایران درواقع اولین مؤسسه نمایشی بود که می‌توان به نام‌هایی مانند: ایران دفتری، خانم سپاهی، سیدعلی نصر، دکتر مهدی نامدار، مطیع‌الدوله حجازی، محمود بهرامی، غایت‌الله شبیانی، فضل‌الله بایگان، سیدمهدی نصر، جوانشیر، جواد معروفی، علی جلالی، دکتر رضاناده‌شفیق، دکتر مهدی فروغ، غلامحسین‌خان مفید، دریاپیکی، رفیع حاتئی، اسکامپی، خان‌ملک سیدعلی نصر سیاست‌مدار، نمایش‌نامه‌نویس و مترجم در سال ۱۲۷۴ در تهران به دنیا آمد. او تحصیلات خود را



در مدارس شرف، علمیه و آلیانس فرانسه به پایان رساند و بعدها به معلمی زبان فرانسه و همچنین ریاضی در همان مدرسه منصوب شد. علی نصر پست‌های دولتی بسیاری نیز به دست آورد. نصر از سال ۱۳۱۵ حدود سه سال در مازندران استاندار بود. در سال ۱۳۱۸ به معاونت علی منصور، وزیر پیشه و هنر برگزیده شد و زمانی که منصور نخست‌وزیر شد، نصر کفالت وزارت پیشه و هنر را عهده‌دار شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ مدتی به معاونت وزارت کشور برگزیده شد. او در سال ۱۳۲۵ در یکی از کابینه‌های احمد قوام وزیر پست و تلگراف شد و سفیرکبیر ایران در چین و هند و نیز نماینده ایران در سازمان ملل. او برای تحصیل به اروپا رفت و پس از بازگشت از این سفر بود که کم‌دی ایران را به سبک تئاتر اروپایی تأسیس کرد.

نصر زمان اندکی پس از تأسیس تماشاخانه تهران به‌دلیل مشغله، مدیریت تماشاخانه را به احمد دهقان که او نیز نماینده مجلس ملی بود سپرد. پس از ترور احمد دهقان که آن روزها در حال آماده‌سازی نمایش «من کمونیست هستم» بود، در ششم خرداد ۱۳۲۹، شخصی به نام حسن جعفری، به پاس خدمات او نام تماشاخانه تهران را به تئاتر دهقان تغییر داد؛ ولی بعد از آن هنرمندان مهمی با این تماشاخانه قطع همکاری کرده و تئاتر نصر را ترک کردند و نیز در سال ۱۳۳۸، تماشاخانه دچار آتش‌سوزی شد. سپس برای مدتی مهندس عبدالله والا و مدتی دیگر نیز برادر ایشان دکتر فتح‌الله والا مدیریت تئاتر نصر را بر عهده گرفتند؛ اما موفقیت‌های گذشته به هیچ عنوان تکرار نشد و از اواسط دهه ۳۰ و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ همان روزها که تئاتر حرفه‌ای و روشنفکری سعدی و فردوسی با مدیریت عبدالحسین نوشین، پدر تئاتر مدرن و علمی ایران، به دست مشت‌ی ارادل و مزدوران به آتش کشیده و بسته شد؛ به‌دلیل شرایط

بلکه به سرمایه زیادی احتیاج دارد و هرقدر این جذابیت بیشتر باشد، متقاضی هم بیشتر خواهد بود. این یک موضوع طبیعی است که با رشد سینمای ما عجین شده است، به شرطی که نهادی مانند وزارت ارشاد هنگام صدور پروانه ساخت علاوه بر پرسش از عوامل فیلم، از سرمایه‌گذار هم بپرسد و درباره او نیز جست‌وجو کند و در نهایت صلاحیت سرمایه‌گذار را هم اعلام کند. همین آقای سجاد علیچانی که سرمایه‌گذار فیلم ماست، در آثار دیگری مانند «جهان با من برق‌ص» سروش صحت، «رحمان ۱۴۰۰» و «روزهای نارنجی» نیز حضور داشته است. اکنون برخی با شنیدن نام سجاد علیچانی ممکن است بترسند و بگویند آدم خطرناکی است؛ ولی من به‌عنوان یک کارگردان کاری به این کارها ندارم و برای اولین‌بار او را دیده‌ام و تا این لحظه هم رفتار بدی از او ندیده‌ام. ضمن اینکه ارگان‌هایی در جامعه وجود دارند که وظیفه‌شان جلوگیری از خطای شهروندان است. علاوه بر آن در نظر بگیرید که میزان اختلاس‌ها آن‌قدر زیاد شده است که باید این حق را بدهید که افراد با عینک بدبینی به موقعیت‌های اطرافشان نگاه کنند». تحلیل این صحبت‌ها از زاویه‌ای دیگر شبیه آن است که بگوییم اگر کسی به پول‌های بادآورده پاسخ منفی بدهد، حتماً اشخاص دیگری حاضر به دریافت این قبیل سرمایه‌ها هستند و با همین توجیه می‌توان از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرد. هرچند به نظر می‌رسد در این شرایط خاص قطعاً وظیفه وزارت ارشاد ورود به ماجرای سرمایه پروژه‌های سینمایی و اعلام موضع رسمی درباره آنهاست؛ اما با گذشت ماه‌ها از زمان ساخت «ما همه با هم هستیم»، هنوز هم پرسش‌هایی بسیاری درباره چرایی و چگونگی ساخت این فیلم سینمایی مطرح است.

مریم جعفری حصار، مترجم و منتقد تئاتر گفت: جنگ جهانی دوم در این نمایش بازخوانی جدید می‌شود. یک راوی اول‌شخص در نمایش وجود دارد که زندگی خودش را البته با تفسیر جنگ حمله آلمان و سپس روسیه بیان می‌کمی.

وی افزود: با تحول سینما در آن روزگار، ادگار تفسیرهای تاریخی را با عکس‌هایش روایت می‌کند. پس این آدم می‌تواند سمبل تاریخ و همچنین تاریخ سینما باشد. کشور استونی می‌تواند نمادی برای جنگ هر کشوری باشد؛ به‌عنوان‌مثال ایران. از ۱۹۳۹ تا ۱۹۶۰ که سینما و جشنواره کن شکل می‌گیرد و در نمایش فرمالیسم سینمای روسیه دیده می‌شود و در همچنین رگه‌هایی از پست‌مدرنیسم را ما می‌توانیم در این نمایش ببینیم. تصاویری که کولاژ می‌شود حتی از زندگی شخصی قهرمان قصه و سینما را درواقع

سال ۱۳۴۱ بازگشایی مجدد سالن هم‌زمان شد با درگذشت سیدعلی‌خان نصر و برای تمام خدمات ارزنده‌اش، نامش را به تئاتر نصر تغییر دادند و فعالیتش تا سال ۵۷ ادامه یافت؛ اما بعد از انقلاب به‌دلیل اختلاف آن‌چنان فعالیتی نداشت و افسوس و صد افسوس که سال‌های سال است که تعطیل شده و هرچه گفتیم و نوشتیم و ساختیم، به گوش کسی نرسید و همچنان در محاق است. البته در فروردین‌ماه سال جاری چند روزی درهایش برای بازدید عموم باز شد.

در فیلم مستند «تهران تماشاخانه تهران» و نیز کتابی که حاصل همکاری مشترک دوساله‌ام با غلامحسین دولت‌آبادی است و با عنوان «تماشاخانه تهران به روایت داریوش اسدزاده» به چاپ رسیده است؛ در گفت‌وگو با ایشان که از سال ۱۳۲۱ در تماشاخانه تهران در سمت‌های مختلف از بازی و کارگردانی تا مدیریت سالن مشغول به کار بوده، تألیف کرده‌ام و به‌تفصیل درباره این دو سیاست‌مدار هنرمند و نیز سازمان پرورش افکار، هنرستان هنریشگی، تماشاخانه تهران و سرنوشتش تا امروز پرداخته شده و در سال ۱۳۹۴ به‌عنوان دهمین کتاب از مجموعه تئاتر ایران در گذر زمان، منتشر شد و در دسترس است. در اینجا برای نمونه، فقط به ذکر نظر آقای اسدزاده درباره تأثیر سیدعلی نصر و این تماشاخانه بر رشد تئاتر ایران بسنده می‌کنم.

● **چه سبمی را برای تماشاخانه تهران در رشد تئاتر ایران در نظر می‌گیرید؟**

پایه‌گذار تئاتر در این مملکت بود. مرحوم نصر با تأسیس تئاتر دائمی خدمت بزرگی به تئاتر ایران کرد. اینکه تئاتر تهران باعث شد نگاه جامعه به تئاتر و هنرمندان تغییر پیدا کند. حضور افراد رده‌بالای اداری و دولتی بین هنرمندان تئاتر، به تئاتر اعتبار بخشید و این‌عامه ایران این نگاه تعدیل شد که اینها مطرب هستند و این‌گونه تئاتر به‌عنوان هنر مطرح شد. البته فکر می‌کنم می‌توانیم این را اضافه کنیم که تأسیس یک تئاتر دائمی ایده بسیار پیشرویی بود که باعث می‌شد کار جدی‌تر گرفته شود و کارگردان موظف شود منظم کار کند و کارش را روی صحنه ببرد که این برای تئاتر نوپای ایران بسیار گران‌قدر بود.

سخن کوتاه می‌کنم و نوشته را با پرسش‌م از آقای انتظامی و جواب ایشان که در کتاب «جادوی صحنه» منتشر شده، به پایان می‌رسانم:
● **وضعیت تئاتر تهران چگونه بود؟**
سطح تئاتر تهران به‌واسطه احمد دهقان که سردبیر مجله تهران مصور بود و وکیل مجلس شد و با وجود شخصیت سیدعلی‌خان نصر، از بقیه بالاتر بود و تماشاگران متفاوتی داشت. همه بازیگران آنجا تحصیل‌کرده هنرستان هنریشگی بودند. علاوه بر نمایش‌هایی که معزالدین فکری یا نویسندگان دیگر می‌نوشتند، از بی‌اس ترجمه‌شده هم استفاده می‌کردند. به‌عقیده من تا قبل از افتتاح تئاتر فردوسی به‌وسیله عبدالحسین نوشین، تئاتر تهران بهترین تئاتر آن زمان بود.

هنر

نگاهی به تازه‌ترین گفت‌وگوی کمال تبریزی

«ما همه با هم هستیم؟»

تماشاخانه

نقد نمایش «وقتی کیوترها ناپدید شدند»، نوشته سلفی اکسان و کارهستی حسینی

خیانت خودی‌ها و هجوم بیگانه

● **گروه هنر:** در نقد و بررسی نمایش «وقتی کیوترها ناپدید شدند»، نوشته سلفی اکسان و کار هستی حسینی، دو منتقد کانون ملی منتقدان تئاتر ایران با تأیید متن در‌خور تأمل این انتخاب را اتفاق مهمی دانستند که منجر به اجرایی چشمگیر شده است؛ نمایشی که نسبت به حضور و تجاوز بیگانگان در سرزمین اشغال‌شده‌ای هشدار می‌دهد که هیچ‌گاه در برابر آنان بی‌تفاوت و منفعل نباشیم.

در این نشست مصطفی کوشکی، تهیه‌کننده و سرپرست گروه، از سابقه ۱۵ ساله این گروه گفت که در این پنج سال اخیر کارهای بارز و مشخصی را در به‌هم‌پیوستگی به هم به صحنه آورده‌اند که تالار مستقل جایگاه عرضه این آثار بوده است. کارهای ابتدایی آنها نمایش‌های اجتماعی و با تمرکز بر متن‌های ایرانی بود و آخرین متن ایرانی که اجرا کردند، نمایش «باد شیشه‌ا می‌رزانند» بود که سال ۹۳ اجرا شد. قبل از آن شش یا هفت متن اجرا کرده بودند که همه متن‌های خودشان بود و دغدغه‌های اجتماعی هم داشتند و شاید از شرایط اجتماعی آن زمان می‌آمد، چون متن‌ها بسیار مربوط به شرایط اجتماعی‌ای بود که در آن قرار داشتند. از سال ۹۳ به‌بعد که شاید اوضاع یک مقدار بهتر شد، انکار یک حال‌وهوای دیگری برای آنها مهم شد و آن هم ورود به شبهه اجرایی تازه‌ای برای یک نمایش بود.

مریم جعفری حصار، مترجم و منتقد تئاتر گفت: جنگ جهانی دوم در این نمایش بازخوانی جدید می‌شود. یک راوی اول‌شخص در نمایش وجود دارد که زندگی خودش را البته با تفسیر جنگ حمله آلمان و سپس روسیه بیان می‌کمی.

وی افزود: با تحول سینما در آن روزگار، ادگار تفسیرهای تاریخی را با عکس‌هایش روایت می‌کند. پس این آدم می‌تواند سمبل تاریخ و همچنین تاریخ سینما باشد. کشور استونی می‌تواند نمادی برای جنگ هر کشوری باشد؛ به‌عنوان‌مثال ایران. از ۱۹۳۹ تا ۱۹۶۰ که سینما و جشنواره کن شکل می‌گیرد و در نمایش فرمالیسم سینمای روسیه دیده می‌شود و در همچنین رگه‌هایی از پست‌مدرنیسم را ما می‌توانیم در این نمایش ببینیم. تصاویری که کولاژ می‌شود حتی از زندگی شخصی قهرمان قصه و سینما را درواقع

سال ۱۳۴۱ بازگشایی مجدد سالن هم‌زمان شد با درگذشت سیدعلی‌خان نصر و برای تمام خدمات ارزنده‌اش، نامش را به تئاتر نصر تغییر دادند و فعالیتش تا سال ۵۷ ادامه یافت؛ اما بعد از انقلاب به‌دلیل اختلاف آن‌چنان فعالیتی نداشت و افسوس و صد افسوس که سال‌های سال است که تعطیل شده و هرچه گفتیم و نوشتیم و ساختیم، به گوش کسی نرسید و همچنان در محاق است. البته در فروردین‌ماه سال جاری چند روزی درهایش برای بازدید عموم باز شد.

در فیلم مستند «تهران تماشاخانه تهران» و نیز کتابی که حاصل همکاری مشترک دوساله‌ام با غلامحسین دولت‌آبادی است و با عنوان «تماشاخانه تهران به روایت داریوش اسدزاده» به چاپ رسیده است؛ در گفت‌وگو با ایشان که از سال ۱۳۲۱ در تماشاخانه تهران در سمت‌های مختلف از بازی و کارگردانی تا مدیریت سالن مشغول به کار بوده، تألیف کرده‌ام و به‌تفصیل درباره این دو سیاست‌مدار هنرمند و نیز سازمان پرورش افکار، هنرستان هنریشگی، تماشاخانه تهران و سرنوشتش تا امروز پرداخته شده و در سال ۱۳۹۴ به‌عنوان دهمین کتاب از مجموعه تئاتر ایران در گذر زمان، منتشر شد و در دسترس است. در اینجا برای نمونه، فقط به ذکر نظر آقای اسدزاده درباره تأثیر سیدعلی نصر و این تماشاخانه بر رشد تئاتر ایران بسنده می‌کنم.

● **چه سبمی را برای تماشاخانه تهران در رشد تئاتر ایران در نظر می‌گیرید؟**
پایه‌گذار تئاتر در این مملکت بود. مرحوم نصر با تأسیس تئاتر دائمی خدمت بزرگی به تئاتر ایران کرد. اینکه تئاتر تهران باعث شد نگاه جامعه به تئاتر و هنرمندان تغییر پیدا کند. حضور افراد رده‌بالای اداری و دولتی بین هنرمندان تئاتر، به تئاتر اعتبار بخشید و این‌عامه ایران این نگاه تعدیل شد که اینها مطرب هستند و این‌گونه تئاتر به‌عنوان هنر مطرح شد. البته فکر می‌کنم می‌توانیم این را اضافه کنیم که تأسیس یک تئاتر دائمی ایده بسیار پیشرویی بود که باعث می‌شد کار جدی‌تر گرفته شود و کارگردان موظف شود منظم کار کند و کارش را روی صحنه ببرد که این برای تئاتر نوپای ایران بسیار گران‌قدر بود.

سخن کوتاه می‌کنم و نوشته را با پرسش‌م از آقای انتظامی و جواب ایشان که در کتاب «جادوی صحنه» منتشر شده، به پایان می‌رسانم:
● **وضعیت تئاتر تهران چگونه بود؟**
سطح تئاتر تهران به‌واسطه احمد دهقان که سردبیر مجله تهران مصور بود و وکیل مجلس شد و با وجود شخصیت سیدعلی‌خان نصر، از بقیه بالاتر بود و تماشاگران متفاوتی داشت. همه بازیگران آنجا تحصیل‌کرده هنرستان هنریشگی بودند. علاوه بر نمایش‌هایی که معزالدین فکری یا نویسندگان دیگر می‌نوشتند، از بی‌اس ترجمه‌شده هم استفاده می‌کردند. به‌عقیده من تا قبل از افتتاح تئاتر فردوسی به‌وسیله عبدالحسین نوشین، تئاتر تهران بهترین تئاتر آن زمان بود.

دو ساعت
خنده و شادی

۷۷۵۷۱۶۶۰

با اجرای پنج نمایش کم‌دی

شنبه و یکشنبه ها نیم بها

Labkhand_Afarinan

www.labkhand-afarinan.com